

The Rise and Fall of WIPO Proof

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	On May 21, 2020, the World Intellectual Property Organization unveiled WIPO Proof, a significant advancement whose main goal was to track and strengthen intellectual property on a whole new level. This documentation service could securely verify the existence of an intellectual article of any type. In practice, this preliminary registration system not only had the ability to register all forms of intellectual property but also covered unprotectable ideas too. However, considering that this method of protection was not supported by international, regional, or national laws, a number of issues regarding the position and quality of the resulting documentation became subjects of debate. In this research, by studying the structure, function, and similar national mechanisms, we concluded that to improve and upgrade the protection provided by IP laws, we need to develop and synchronize with the needs of the active class in the field of innovation. As a result, services such as WIPO Proof can be considered an undeniable milestone for the development and improvement of current intellectual property regimes.
Article history:	
Keywords: <i>Ideas,</i> <i>Intellectual property rights,</i> <i>Preliminary registration,</i> <i>WIPO Proof.</i>	
Cite this article: Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Article title. <i>Journal Title</i> , 56 (1), 1-20. DOI: http://doi.org/00000000000000000000	
	© The Author(s). DOI: http://doi.org/00000000000000000000
Publisher: University of Tehran Press.	

ظهور و افول (سامانه آزمایشی) ثبت وایپو

(مستخرج از قرارداد پژوهشی حمایت از ایده سازمان ثبت اسناد و املاک - دانشگاه قم)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	در ۲۱ ماه می سال ۲۰۲۰ میلادی، سازمان جهانی مالکیت فکری از سامانه‌ی خدماتی نوینی به نام ثبت وایپو پرده برداری کرد که هدف اصلی آن حمایت از دستاوردهای نوآورانه و ابتکارآمیز کسب و کارها در فضای دیجیتال عنوان شد. این سامانه ثبت مقدماتی در عمل نه تنها از قابلیت ثبت کلیه اشکال مالکیت فکری برخوردار بود بلکه برخی مصادیق غیر قابل حمایت مالکیت فکری از جمله ایده‌ها را نیز تحت پوشش قرار می‌داد. با این حال، نظر به اینکه ثبت وایپو فاقد پشتوانه قوانین بین‌المللی، منطقه‌ای یا ملی بود، این مسئله که جایگاه و پشتوانه مستندات حاصل از آن در نظام‌های حقوق مالکیت فکری اعضای این سازمان چیست، همواره محل بحث قرار داشته است. در این پژوهش با مطالعه ساختار و عملکرد سازکارهای مشابه به این نتیجه دست یافتیم که حقوق مالکیت فکری به منظور ارتقاء سطح عدالت در حمایت ارائه شده، نیازمند توسعه و همگام سازی خود با نیازهای روز قشر فعال در عرصه نوآوری است و سامانه ثبت وایپو نیز از این ظرفیت برخوردار است که الگویی برای توسعه نظام حقوق مالکیت فکری قلمداد شود.
تاریخ دریافت: تاریخ بازنگری: تاریخ پذیرش: تاریخ انتشار:	
کلید واژه: ایده، ثبت مقدماتی، ثبت وایپو، حقوق مالکیت فکری.	
استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله. عنوان مجله، ۲ (۴)، ۲۰-۱. DOI: http://doi.org/000000000000000000000000	
 ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. DOI: http://doi.org/000000000000000000000000	

۱. مقدمه

سامانه ثبت سازمان جهانی مالکیت فکری^۱ (از این پس وایپو) یک سامانه خدماتی برخط بین‌المللی است که مستندات امن (ضد دستکاری)^۲ ناظر بر دستاوردهای فکری اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) را به دست می‌دهد، این اسناد مثبت آنند که دارایی فکری شخص در یک مقطع زمانی خاص با مختصات و جزییاتی معین پدیدآمده و از زمان پیدایش تا کنون چه تغییرات و تحولاتی را پشت سر گذاشته است. با استفاده از چنین فرآیندی کلیه فعالان عرصه نوآوری اعم از صنعتی و ادبی-هنری و حتی ایده‌پردازان، قادر هستند با ثبت دستاورد خود در این سامانه، یک سابقه یا به عبارت دیگر شناسنامه را برای ایده^۳ یا آفرینش فکری خود ایجاد کنند که گرچه در شرایط عادی حق، امتیاز یا اولویتی را برای متقاضی به دنبال نخواهد داشت، لیکن در مرحله اجرا یا تجاری سازی که ایده‌پرداز یا پدیدآورنده در عموم موارد ملزم به افشای کامل یا محدود دستاورد خود می باشد، امنیتی نسبی را برای آنها به ارمغان می‌آورد؛ با این توضیح که اصولاً در موارد طرح ادعای نقض بار اثباتی بر دوش مدعی نقض قرار دارد، رویکردی که همراستا با قاعده فقهی «بینه» است؛ این بدان معناست که چنانچه مقام قضایی بخواند به ادعای نقض ایده‌پرداز یا مالک دستاورد فکری ورود کند، پیش از هرچیز نیازمند مبنایی برای احراز انتساب دستاورد فکری به مدعی است. بر همین اساس، وجود مستنداتی از این دست در موارد بروز حل اختلاف، به ویژه در مراحل مقدماتی که دستاورد شخص، اعم از ادبی-هنری یا صنعتی، با شکل نهایی خود فاصله قابل توجهی دارد، وجود چنین

^۱WIPO Proof

^۲Anti-tamper

^۳ در این پژوهش مراد از لفظ ایده هر نوع طرح انتزاعی، ناپخته یا مبهم نیست. ایده در مفهوم مدنظر نگارندگان طرح اولیه یک دستاورد فکری است که جزییات و مختصات آن مشخص بوده و در فرض شرح برای اشخاص با دانش متعارف در آن حوزه امکانپذیر قلمداد شده و صرفاً نیازمند پیاده سازی نهایی باشد. نمونه بارز این مصادیق ایده فیلمنامه‌ها و نمایشنامه‌ها و نمونه های اولیه اختراعات هستند که با شکل نهایی خود فاصله قابل توجهی دارند.

مستنداتی تاثیر شگرفی در برقراری تعادلی نسبی میان موقعیت صاحبان سرمایه و شخصیت های حقیقی و حقوقی ارائه کننده خواهد داشت.

با این همه، مهمترین ابهام در خصوص این سامانه، همتایان آن و خروجی های آنها این است که مستندات ارائه شده توسط این سامانه ها با نظر به مسئله فقدان پشتیبانی تقنینی یا شناسایی آنها به صورت رسمی در نظام های حقوق مالکیت فکری کشورها، از منظر ارزش اثباتی در دعاوی در چه سطحی قرار دارند؟ وایپو با تصریح به اینکه مستندات ارائه شده توسط این سامانه موجد هیچگونه حق و تکلیفی برای اشخاص نبوده و تمامیت موضوع نقض و اعتبار مستندات بسته به وضعیت هر مورد و رویکرد نظام های حقوقی ملی دارد، اعتبار مستندات ارائه شده را تا اندازه زیادی در هاله ای از ابهام قرار داده است، از طرف دیگر، در برخی نظام های حقوق مالکیت فکری، همچون فرانسه و ایالات متحده این مسئله به طور گسترده بررسی شده و اعتباری هرچند محدود و مقید برای این سبک از ثبت مقدماتی^۴ در نظر گرفته شده است.

در این پژوهش نظری، با مطالعه جامع نقش و عملکرد سامانه آزمایشی ثبت وایپو و همتایان آن، برآنیم تا سطح کارآمدی و جایگاه این رویکرد نوین حمایتی در سطح بین المللی را در عرصه حقوق مالکیت فکری مورد بحث قرار دهیم.

۲. ماهیت

ثبت وایپو را می توان یک بستر دیجیتال برای ثبت اسناد قلمداد کرد که سازمان جهانی مالکیت فکری با هدف یاری رساندن به ایده پردازان و پدیدآورندگان، به منظور اثبات وجود دستاوردهای فکری آنها در یک بازه زمانی معین طراحی کرده و به صورت محدود پیاده سازی نمود. وایپو برآنست که استفاده از این سامانه به یک مرحله خاص در تحقیق، توسعه یا ساخت و پرداخت دستاوردهای فکری محدود

^۴Preliminary Registration

نبوده و اشخاص در هر مرحله حتی پیش از نهایی‌سازی^۵ دستاورد خود، می‌توانند با ثبت در این سامانه از یک لایه حمایتی (امنیتی) مضاعف نیز بهره‌مند شوند. ثبت وایپو به گونه‌ای طراحی شده است که اساساً محدود به هیچ یک از اشکال خاص مالکیت فکری نباشد، به همین دلیل در خصوص مستندسازی ایده‌ها که از مستثنیات حمایت مالکیت فکری محسوب می‌شوند، نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. این رویکرد نقطه مقابل دیدگاه سنتی حقوق مالکیت فکری است که بر مبنای آن ایده به جهت طبیعت محض و مجرد آن، نه تنها قابل حمایت نیست و اطلاق عنوان مال فکری (مثل اثر، اختراع و یا طرح) نیز بر آن غیرمحمول به نظر می‌رسد (میرشمسی و همکاران ۱۳۹۳: ۱۰۰)؛ لیکن ثبت وایپو به گونه‌ای طراحی شده است که برای این قسم از دستاورد های فکری نیز مانعی در ثبت وجود نداشته باشد.

اعتبار مستندات ثبت وایپو در گرو سازکارهای امنیتی هستند که با ماهیت و عملکرد این سامانه درهم تنیده‌اند؛ در نظام های حقوقی که این سازکارها مورد تایید هستند، شخص می‌تواند از این مستندات به عنوان ابزار کلیدی در تثبیت تقدم خود در پرداخت، خلق یا بهره‌برداری یک دستاورد فکری با اثبات وجود یک آن در یک زمان خاص بهره‌برداری کند. این ویژگی، ثبت وایپو را به یک سامانه ثبت مقدماتی^۶ بین المللی مبدل می‌سازد. با وجود بهره‌گیری این سامانه از سازکارهای امنیت دیجیتال، وایپو همواره تصریح داشته است که مستندات ارائه شده توسط سامانه ثبت وایپو موجب امتیاز، انحصار یا بصورت کلی حق یا تکلیفی برای اشخاص نبوده و صرفاً حقوق اعطا شده به شخص (در فرض نهایی سازی)، با ارائه مستنداتی زمان بارگذاری، صحت و یکپارچگی محتوای ثبت شده را تایید می‌کنند. با

^۵Finalization

^۶ سامانه‌ها و سازکارهای ثبت مقدماتی، چهره نوین حمایت در زمینه حقوق مالکیت فکری هستند که به شکل کاملاً متفاوت با سایر روش های مرسوم ثبت مالکیت فکری عمل می‌کنند، نخستین نمودهای این شیوه از ثبت در مقررات داخلی برخی کشورها همچون فرانسه و ایالات متحده پیاده سازی شد. تفاوت اصلی ثبت مقدماتی با ثبت نهایی در اعتبار آن و فقدان یا محدودیت اساسی حقوق انحصاری ناشی از آن قابل مشاهده است.

وجود اینکه چنین رویکردی در نگاه نخست، چندان کارآمد نمی‌نماید لیکن، استعمال علائم رمزنگاری شده^۷ وایپو می‌تواند به صورت خاص در مواردی که حل اختلاف یا صحت ادعای نقض بسته به مسئله تقدم و تأخر پیدایش دستاورد فکری مانند اختراع، علامت تجاری یا حتی آثار ادبی-هنری همچون فیلمنامه باشد، تا اندازه زیادی مرجع رسیدگی کننده به دعوای نقض را یاری رساند، و از آنجایی که ثبت وایپو می‌تواند کلیه سوابق راجع به تغییر و تحول مالکیت فکری از مرحله ایده تا تجاری‌سازی را مستندسازی نماید، ارزش اثباتی چنین سوابقی در دعوای نقض نقش می‌تواند تفاوت میان پیروزی یا شکست باشد. (Mostert 2020: 673, 674)

استفاده از فرآیند نشانه گذاری زمانی دیجیتال^۸ در تولید علائم رمزنگاری شده در ثبت وایپو باعث می‌شود در نتیجه ثبت، هیچ سند فیزیکی به اشخاص ارائه نشود؛ با این حال، نسخ فیزیکی حاصله از اسناد ارائه شده توسط این سامانه قابل اعتبار سنجی هستند و با استعمال شناسه‌های رمزنگاری شده آنها در سامانه می‌توان از صحت مندرجات با اصالت آنها اطمینان حاصل نمود. در صورتی که علائم رمزنگاری شده در دسترس سایرین قرار گیرند به آنها نیز اجازه دسترسی به محتوای سند یا آنچه در این سامانه بارگذاری شده است را خواهند داد در نتیجه، حفظ محرمانگی یا انعقاد قرارداد عدم افشا در فرض در دسترس قرار دادن کلید دیجیتال برای اشخاص ثالث یک امر تسامح ناپذیر است؛ چراکه کلید دیجیتال متضمن اجازه دسترسی نامحدود (بدون احراز هویت) به محتویات بارگذاری شده و جزئیات ثبت خواهد بود. مضاف بر این یک سند ثبت در این سامانه می‌تواند متضمن چندین کلید دسترسی باشد که در چنین فرضی اهمیت حفظ محرمانگی کلید دسترسی، دوچندان می‌شود (Umar, 2017: 21890-21893).

۳. ساختار امنیتی و اعتبار اسناد

^۷Token

^۸Digital Time Stamping

۱,۳. ساختار امنیتی

برخلاف سایر اشکال مرسوم ثبت که به شکل سنتی بخش بزرگی از حمایت و تامین امنیت مالکیت فکری ثبت شده در آنها ریشه در ویژگی بازدارندگی مجازات‌های پیش‌بینی شده در قوانین مربوطه دارد، ثبت وایپو به علت فقدان چنین پشتوانه‌ای ناچار به تکیه بر فناوری‌های مطرح در زمینه امنیت دیجیتال بود؛ به همین دلیل این سامانه در زمان فعالیت، از مجموعه‌ای از این فناوری‌ها که مهم‌ترین آنها زیرساخت کلید عمومی^۹ بود یاری جست. زیرساخت کلید عمومی ابزاری است که در ایجاد و مدیریت گواهی‌های دیجیتال و رمزنگاری کلید عمومی استفاده می‌شود، رسالت اصلی این سازکار امنیت دیجیتال کمک به انتقال ایمن اطلاعات الکترونیکی برای انواع فعالیت‌های مبتنی بر وب همچون تجارت الکترونیک و بانکداری مبتنی بر اینترنت است. استفاده از این سازکار ثبت وایپو را قادر می‌ساخت تا ایجاد، استفاده، ذخیره، مدیریت، توزیع، و لغو گواهی‌های دیجیتال و مدیریت رمزگذاری کلید عمومی کنترل کند. (Danquah & Kwabenah 2020: 241, 242)

سازکار امنیتی دیگری که سازمان جهانی مالکیت فکری به منظور تامین امنیت مستندات خود از آن استفاده می‌کند پروتکل RFC 3161 است. این پروتکل ناظر بر یک پایگاه داده است که در آن سوابق داده‌های بارگزاری شده از طریق درج مهر زمانی حفظ می‌شوند، در چنین پایگاه داده‌ای کلیه اطلاعات راجع به وجود داده‌ها در یک بازه زمانی خاص و هرگونه تغییر بعدی هرچند جزئی ثبت و ذخیره‌سازی می‌شود. (Bonnecaze et al 2006: 662) ثبت دستاورد فکری شخص در سامانه ثبت وایپو مستلزم پالایش آن در این دو مرحله اصلی بوده و در پایان این مراحل، متقاضی یک کلید رمزنگاری شده را دریافت می‌کند؛ کلید رمزنگاری شده از چند مؤلفه اساسی تشکیل شده است که هدف اصلی آنها تسهیل امر اعتبارسنجی اسنادی است که در این سامانه به ثبت رسیده‌اند؛ این مؤلفه‌ها عبارتند از:

^۹Public Key Infrastructure (also known as PKI)

۱. شناسه خلاصه پیام فایل اصلی که توسط الگوریتم یک طرفه مرورگر محلی تولید شده و به طور منحصر به فرد فایل اصلی را شناسایی می کند؛
 ۲. تاریخ و زمان دقیق درخواست ایجاد علامت رمزنگاری شده صادر شد؛
 ۳. امضای دیجیتالی که وایپو را به عنوان سازمان منشأ تولید علامت رمزنگاری شده معرفی می کند؛
 ۴. و یک کلید عمومی که صحت علامت رمزنگاری شده را تضمین می کند.
- حاصل کلیه فرآیندهای مورد بحث، کلیدی دیجیتال با پسوند «.tsf» است که قابل بارگیری بوده و می تواند همراه با سند اصلی ذخیره شود. در پایان، کدنویسی سخت^{۱۰} علامت رمزنگاری شده باعث می شود علامت ارائه شده به سادگی قابل تغییر یا دستکاری نباشد؛ در نتیجه ای این ساختار امنیتی، می توان گفت که ثبت وایپو عملکردی مشابه یک دفتر ثبت اسناد دیجیتال را دارد، اما بر خلاف دفاتر اسناد رسمی که دارای اعتبار قانونی تضمین شده هستند، اعتبار مستندات ارائه شده توسط این سامانه بسته به پذیرش آن در نظام های حقوقی مختلف است.

۲,۳. مدت و میزان اعتبار

از آنجایی که اشخاص در نتیجه ثبت در سامانه ثبت وایپو حقوق انحصاری یا امتیاز خاصی را دریافت نمی کنند در نتیجه بحث بازه زمانی مدت حمایت در این خصوص منتفی است؛ لیکن، این پرسش که علائم رمزنگاری شده ارائه شده تا چه زمانی معتبر و قابل استعمال هستند، کماکان در این خصوص مطرح است. اعتبار سنجی علامت می تواند در هر زمان، مکان و توسط هر شخص یا نهاد، صرفاً با

^{۱۰} شناسه خلاصه پیام یا hash، همانند اثر انگشتی دیجیتال است که مقداری داده، معمولاً یک فایل یا پیام را شناسایی و تایید می کند. این شناسه ها از الگوریتم های رمزنگاری استفاده می کنند که در اصل فرمول های ریاضی یک طرفه ای هستند که برای تولید یک مقدار منحصر به فرد برای هر ورودی (در این مورد، داده ها) طراحی شده اند.

'Hard Coding

دسترسی به اینترنت صورت پذیرد. اعتبار سنجی یک علامت، از طریق دسترسی به دو مؤلفه صورت می پذیرفت:

۱. فایل اصلی بدون تغییر که علامت رمزنگاری شده برای آن ایجاد شده؛

۲. علامت رمزنگاری شده.

توجه به این نکته ضروری است که اگر فایل اصلی حتی اندکی اصلاح شده باشد، اعتبار سنجی ناموفق خواهد بود و بنابراین وجود فایل اصلی را در تاریخ و زمان پردازش آن نشان نخواهد داد. علاوه بر این، اگر فایل دیجیتال اصلی به هر نحوی (از جمله کوچکترین تغییرات قالب بندی) اصلاح شود، رمز اشخاص دیگر معتبر نخواهد بود. نشانه سامانه ثبت وایپو یک اثر انگشت دیجیتال از یک فایل دیجیتالی خاص است. اگر مستندات دیجیتال به هر نحوی تغییر داده شوند این امر منجر به ناسازگاری فایل اصلی که علامت ثبت وایپو برای آن ایجاد شده، می شود؛ و در نتیجه، علامت رمزنگاری شده با فایل اصلاح شده مطابقت نخواهد داشت. علائم رمزنگاری شده حاصله از ثبت در این سامانه به مدت پنج سال از تاریخ ثبت در این سامانه ذخیره می شوند؛ این مدت غیرقابل تمدید بوده، لیکن محدودیت زمانی برای استعلام صحت و اعتبار علامت وجود ندارد، و تازمانی که نسخه فیزیکی آن در دسترس باشد، اعتبار سنجی آن نیز امکان پذیر خواهد بود.

با وجود ماهیت بین المللی وایپو، علائم رمزنگاری شده این سامانه در کشورهایی از بیشترین سطح اعتبار برخوردارند که اسناد ارائه شده را به عنوان اسناد رسمی (دیجیتال) در نظر گیرند. این امر نیز در گرو پذیرش استاندارد های امنیتی بکارگیری شده در این سامانه یا حائز اعتبار قلمداد کردن آنها در یک نظام حقوقی ملی یا منطقه ای است. به عنوان مثال، در حال حاضر، علائم رمزنگاری شده در کشورهایی که مقررات خدمات شناسایی الکترونیک^۱، احراز هویت و حفاظت (اطلاعات) اتحادیه

^۱Electronic Identification and Trust Services (also known as eIDAS)

اروپا را پذیرفته‌اند به مثابه اسناد رسمی هستند. بنابراین بیراه نیست اگر مدعی شویم همگام سازی این سامانه با مقررات خاص منطقه اتحادیه اروپا خواه ناخواه توازن اعتبار مستندات را به نفع کشورهای حوزه این اتحادیه برهم می‌زند (Andrade 2018: 96-97).

۴. پیامدهای ثبت

ثبت یک دستاورد فکری (از هر نوع آن) در سامانه ثبت وایپو گرچه به شکل خاصی یا شاخه خاصی از مالکیت فکری محدود نیست، لیکن کارآمدترین برهه زمانی که ثبت وایپو در آن حائز اهمیت دوچندان است، مرحله پیش از ثبت یا نهایی سازی است. در این مرحله از آنجایی که دستاورد شخص هنوز شکل قابل حمایت به خود نگرفته، در آسیب پذیرترین حالت قرار دارد و می‌تواند به سادگی مورد سواستفاده قرار گیرد. ثبت یا عدم آن در این حالت آسیب پذیر در هر یک از شاخه‌های مالکیت فکری پیامدهایی را به دنبال دارد.

۱,۴. در شاخه حقوق مالکیت صنعتی

شناخت ماهیت ثبت وایپو این پرسش را به ذهن متبادر می‌سازد که با وجود سازکارهای ملی و بین‌المللی ثبت و حمایت از اختراعات، همانند قوانین راجع به مالکیت صنعتی و همچنین معاهداتی

^{۱۳} به موجب مواد ۱ و ۲ مقرر شماره ۹۱۰/۲۰۱۴ اتحادیه اروپا هدف از این مقررات افزایش سطح امنیت و اعتماد به مبادلات الکترونیک در بازار داخلی (اتحادیه اروپا) از طریق ایجاد یک بستر مشترک برای مبادلات الکترونیکی ایمن بین اشخاص حقیقی یا حقوقی، مشاغل و در نتیجه، ارتقا خدمات برخط عمومی، خصوصی و تجارت الکترونیک می‌باشد. به موجب ماده ۲۵ نیز تبعیض میان اعتبار مستندات (عادی و دیجیتال) به‌ویژه در موارد مورد تصریح در مقرر مذکور پذیرفته نخواهد بود.

^{۱۴} از تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۲۱ کشور انگلستان نیز در نتیجه خروج از اتحادیه اروپا و پایان دوران گذار برکسیت، از شمول مقرر ۹۱۰/۲۰۱۴ خارج شد.

همچون معاهده همکاری ثبت اختراع^{۱۸} یا کنوانسیون مادرید^{۱۹} بازوهای اجرایی این قوانین و مقررات چه نیازی به ثبت یک دستاورد فکری با ماهیت صنعتی در سامانه ثبت وایپو می‌باشد؟

در پاسخ باید گفت، ثبت وایپو سامانه‌ای است که می‌تواند مسئله افشای امن^{۲۰} دستاورد صنعتی (اعم از اختراع یا هرگونه دانش فنی دیگر را امکان‌پذیر ساخته و حتی در فرض وجود توافق یا قرارداد راجع به افشا، با اثبات وجود اثر در یک تاریخ معین مسیر هرگونه سواستفاده بعدی را مسدود سازد؛ سازکاری که می‌تواند به عنوان مکملی برای مهلت ارفاقی عمل کند چراکه چنانچه افشا به عنوان مثال وفق بند ۱ از ماده ۲۶ آیین نامه اجرایی ثبت اختراع در نتیجه «افشا به دلیل یا در نتیجه سوء استفاده اشخاص ثالث یا ذی‌حق قبلی متقاضی انجام شده باشد»؛ گام نخست برای بهره‌مندی از مزایای مهلت ارفاقی، اثبات انتساب (در این مثال) اختراع به مدعی است.

حق بر افشا در حقوق مالکیت فکری در زمینه ادبی-هنری مطرح می‌شود و در زمینه مالکیت صنعتی خود را به شکل شرط نو بودن بروز می‌دهد؛ در نتیجه این وضعیت بر اهمیت حق افشا، تأثیری نداشته و همانگونه که افشای (غیرمجاز) اثر ادبی-هنری حقوق معنوی و به تبع آن حقوق مادی پدیدآورنده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حقوق مالکیت صنعتی نیز اثری مشابه بر جای می‌گذارد و زمان و مکان افشای یک دستاورد فکری تعیین کننده شکست یا موفقیت آن است (شبییری و نعمتی ۱۳۹۲: ۳۱، ۳۲). در عمل نیز انعقاد قراردادهای مجوز بهره‌برداری و واگذاری در گرو وجود طرح یا اطلاعاتی انحصاری قرار دارد، چراکه گیرنده مجوز بهره‌برداری دستاورد صنعتی، اغلب متحمل خطرات و هزینه‌های سنگینی می‌شود و در مقابل همواره در صدد است تا از گونه‌ای انحصار نشأت گرفته از

^{۱۸}The Patent Cooperation Treaty (also known as PCT)

^{۱۹}Madrid Agreement Concerning the International Registration of Marks

^{۲۰}Safe Disclosure

محرمانگی موضوع مجوز بهره‌برداری، برخوردار گردد (عبدالصمدی و رفیعی آفرانی ۱۳۹۹: ۱۰). مؤلفه ای که در سرمایه گذاری بر مالکیت فکری، بازگشت سرمایه را به میزان قابل توجهی تضمین می‌کند. به منظور درک بهتر مخاطرات افشای دستاورد صنعتی پیش از ثبت (در حالت فاقد مستندات)، می‌توان به مجموعه پرونده‌های گوردون گولدا در خصوص اختراع لیزر نگاهی داشت؛ پرونده‌هایی که پیش زمینه آنها با افشای ناشیانه‌ی اطلاعات (ایده) راجع به دستگاه لیزر شکل گرفته و در نهایت نیز به علت پیچیدگی های اثبات انتساب اختراع و متعاقب آن نقض صورت پذیرفته به شکل قابل توجهی به درازا انجامیدند. این مجموعه پرونده‌ها به مدت ۲۸ سال در جریان بودند و اگرچه در نهایت به پیروزی گولد منتهی شدند لیکن زمان و هزینه غیرقابل توجیهی را به منظور اثبات ادعای گولد ناظر بر مالکیت اختراع لیزر (و حقوق ناشی از آن) طلبیدند. ریچارد گوردون گولد، فیزیکدان آمریکایی بود که در سال ۱۹۵۷ برای نخستین بار به ایده لیزر دست یافت؛ مدت کوتاهی پس از طراحی لیزر، گولد ایده خود را با یکی از همکاران خود، فیزیکدانی بنام چارلز تاونز^۱، که میزبان دستگاه تقویت تشعشعات مایکروویو را اختراع کرده بود، در میان گذاشت. به توصیه تاونز مبنی بر اینکه گولد به عنوان نخستین گام در ثبت اختراع می‌بایست ایده خود را مکتوب و ثبت می‌کرد، با داشتن های گولد راجع به لیزر و ساختار و عملکرد آن در یک دفتر ثبت اسناد محلی به ثبت رسیدند. پس از این وقایع، گولد کلمبیا را ترک کرد و در سال ۱۹۵۸ و پیرو توافق با شرکت گروه تحقیقاتی فنی^۲ گولد به این شرکت پیوست تا پروژه ساخت لیزر خود را نهایی کند؛ فرآیندی که تا سال ۱۹۵۹ به درازا کشید، اما در آن زمان تاونز و فیزیکدان دیگری به نام آرتور شاولو^۳ پیش از او متقاضی ثبت لیزر شده و در

^۱Richard Gordon Gould

^۲Charles Hard Townes

^۳Microwave Amplification by Stimulation Emission of Radiation (also known as Maser)

^۴Technical Research Group (also known as TRG)

^۵Arthur Leonard Schawlow

نتیجه درخواست گولد رد شد. در نتیجه این وضعیت، گولد با حمایتی که از طرف گروه تحقیقات فنی دریافت می‌نمود، و استناد به یادداشت‌های ثبت شده خود به عنوان مدارک اصلی، علیه تاونز، شاولو و شرکتهایی که با انعقاد قراردادهای مجوز بهره‌برداری، لیزر را مورد استفاده قرار می‌دادند، مجموعه‌ای از دعاوی نقض را اقامه نمود. به اشتراک گذاری اطلاعات توسط گولد، همکاران او را قادر می‌سازد تا با اشراف نسبت به اختراع او و در نهایت ثبت آن در فاصله دو سال پس از این واقعه یعنی، سال ۱۹۵۹، گولد را وارد چرخه‌ای طولانی از دعاوی نقض حق کنند، که پس از سه دهه به نتیجه مطلوب منتهی شدند. (Pendsay & Agarrwal 2012: 405)

۲.۴. در شاخه حقوق مالکیت ادبی-هنری

مسئله ثبت در زمینه حقوق مالکیت ادبی-هنری نقش کمرنگ‌تری دارد، این امر ریشه در اجماعی دارد که به موجب آن در غالب نظام‌های حقوقی مسئله ثبت در خصوص آثار ادبی-هنری امری کاملاً اختیاری قلمداد شده (Oliar et al 2014: 2213) و قوانین موضوعه صرف صدق عنوان اثر ادبی-هنری بر یک دستاورد فکری را برای حمایت از آن کافی قلمداد می‌کنند. حال پرسش اینجاست که در وضعیتی که مسئله ثبت اثر ادبی-هنری به یک مؤلفه ثانویه برای حمایت از آن مبدل شده، ثبت اثر در سامانه ثبت وایپو چه ارزش یا کاربردی خواهد داشت؟ همانگونه که وایپو صراحتاً اظهار داشته است سامانه‌ی ثبت این سازمان هیچگونه حق مضاعفی را برای اشخاص به‌دنبال نمی‌آورد و صرفاً در مقام اثبات وجود یک دستاورد فکری در یک مقطع زمانی خاص می‌تواند مستنداتی را ارائه کند. دستیابی به پاسخ این پرسش مستلزم نگاهی به وضعیت فعلی آثار ادبی-هنری و دعاوی نقض حق راجع به آنها علی‌الخصوص در زمینه آثار سینمایی یا با ماهیت مشابه، مانند بازی‌های ویدئویی است. ثبت اثر ادبی-هنری با استفاده از این سامانه در خصوص آثاری که با شکل نهایی خود فاصله زیادی دارند اهمیت خود را آشکار می‌کند. بعنوان نمونه می‌توان به آثار با ماهیت سینمایی پرداخت، در این

^{۳۳} البته در صورتی که سایر شرایط همچون اصالت و تثبیت نیز در مورد آن اثر رعایت شده باشند.

آثار ایده به شکل فیلمنامه، نمایشنامه یا بازینامه ارائه می‌شود و علی‌رغم حمایت حقوق مالکیت ادبی - هنری، از آنجایی که در بسیاری موارد در نتیجه ناتوانی ایده‌پرداز (پدیدآورنده) در تحقق ایده به تنهایی، ایده به متقاضیان بالقوه ارائه می‌شود دستاورد شخص در معرض سواستفاده مادی و معنوی قرار می‌گیرند. این وضعیت که ناشی از ضعف مالی ایده‌پرداز و توان اقتصادی صاحبان سرمایه است بستری مستعد را برای بهره‌برداری غیرمجاز فراهم می‌آورد که عموم دعاوی نقض حقوق مالکیت ادبی-هنری راجع به آثار سینمایی و با ماهیت مشابه نیز برخاسته از آن هستند (Gladden 2003: 361-366). با وجود اینکه ثبت آثار ادبی-هنری در عموم نظام‌های حقوقی فعلی نیز پیش‌بینی شده است، لیکن مستندات دیجیتال ارائه شده توسط وایبو با نظر به اعتبار و امنیت آنها در کنار حفظ سوابق دسترسی اشخاص به محتوای مستندات، می‌توانند در موارد حل اختلاف در بعد ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و در نهایت احقاق حقوق مالکیت فکری ایده‌پرداز در اثر نهایی به‌دست آمده از ایده، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند.

پرونده بوکوالد علیه پارامونت پیکچرز^۴ را می‌توان از نتایج وضعیت تشریح شده قلمداد کرد؛ این پرونده ریشه در یک اثر سینمایی با عنوان «سفر به آمریکا» دارد؛ با انتشار این اثر در سال ۱۹۸۸ نویسنده‌ای به نام آرتور بوکوالد^۵ مدعی می‌شود فیلم بر اساس پیش‌نویس فیلمنامه‌ی «پادشاه برای یک روز»^۶ که او پیرو قراردادی به پارامونت ارائه کرده بود ساخته شده. در این توافق اینگونه مقرر شده بود که در صورت ساخت فیلم بر اساس فیلمنامه بوکوالد درصدی از سود خالص حاصله از فروش فیلم به بوکوالد تعلق گیرد. زمانی که پارامونت با دعوای نقض تعهدات قراردادی مواجه می‌شود، ابتدا ادعا می‌کند که فیلم را آنطور که در توافقنامه مشخص شده بود «بر اساس» فیلمنامه بوکوالد نساخته

^۴Buchwald vs. Paramount, 1990 Cal. App. LEXIS 634

^۵Coming to America

^۶Arthur Buchwald

^۷King for a Day

و که حتی اگر «سفر به آمریکا» بر اساس فیلمنامه بوکوالد باشد، فیلم حتی به اندازه هزینه‌های خود نیز بازدهی نداشته و بنابراین هیچ «سود خالص» وجود نداشت که از منبع آن درصدی به بوکوالد تعلق گیرد. با اقرار پارامونت نسبت به وجود قرارداد و شناسایی شرط تعیین مبلغ قرارداد در قالب درصدی از سود خالص در فرض حصول به عنوان شرط غیرمعقول؛ در نهایت پارامونت با پرداخت غرامت و جلب رضایت بوکوالد به این پرونده خاتمه می‌دهد. با این حال مسئله نقض حقوق مادی و معنوی بوکوالد نسبت به اثر نهایی مسکوت مانده و حتی زمانی که پارامونت فیلم را منتشر می‌کند، فیلمنامه به ادی مورفی^{۲۸} منتسب می‌شود. برخی معتقدند، رویکرد شتابزده پارامونت در حل و فصل این اختلاف به جهت پیشگیری از طرح دعاوی با ماهیت مشابه از طرف سایر نویسندگان طرف قرارداد با این شرکت بود (O'Donnell & McDougal 1992: 529-544).

مضاف بر این گرچه مبانی عدل، انصاف و اخلاق دایر برآنند که در فرض توافق ایده پرداز با شخص سرمایه گذار و عدم بازدهی یا شکست ایده، ضرر و زیان وارده همه طرفین را تحت تاثیر قرار دهد در فرضی که ایده به سرقت رفته یا مورد سوء استفاده قرار گرفته است چگونه می توان انتظار داشت شخص ایده پرداز، به علت اجرای ضعیف یا ناشیانه ایده توسط ناقض متحمل ضرر و زیان ناشی از ضعف ناقض بشود؟

برخی اندیشمندان مالکیت فکری معتقدند به جهت حل این چالش، شاخه ادبی-هنری مالکیت فکری، حداقل در زمینه صنعت سرگرمی لازم است مفهوم ایده آغازگر^{۲۹} را به رسمیت شناخته و متناسب با سهم آن در پیدایش اثر نهایی حقوقی را برای پدیدآورنده آن در نظر گیرد. از نظر این گروه با وجود سه شرط می‌توان ایده های آغازین را شناسایی نمود.

- نخست اینکه کلیت ایده شرحی از هسته روایی^{۳۰} اثر را به دست بدهد؛

^{۲۸}Edward Regan Murphy (also known as Eddie Murphy)

^{۲۹}Concept Initiator

^{۳۰}Narrative Crux

- دیگر اینکه از لحاظ کمی و کیفی در یک اثر ثانویه بکار رفته باشد؛
- در آخر حمایت از ایده آغازین، محدود به موارد استفاده عامدانه و آگاهانه از آن می‌باشد.

از نظر این گروه، مراد از هسته روایی ایده‌ای با سطحی از اصالت و نوآوری است که صرف بیان آن ایده اصلی را تحت پوشش حمایت قرار می‌دهد و به موجب دکترین ادغام نیز از استثنائات حمایت محسوب نمی‌شود. (Winteringham 1994: 377) باوجود اینکه شناسایی ایده آغازگر به عنوان یکی از اقسام مالکیت فکری یا مقررات فعلی مطرح در زمینه مالکیت فکری چندان سازگار نیست، لیکن عدم حمایت از ایده‌ای که بتواند سه مؤلفه ی فوق را تأمین نماید صرفاً خلائی قانونی را برجای می‌گذارد که مسیر سو استفاده از حقوق مادی و معنوی اثر نهایی را باز می‌گذارد، خلائی که از عدم حمایت از ایده به صورت کلی نشأت می‌گیرد. وضعیت کنونی با مبانی مسئولیت مدنی نیز در تضاد کامل قرار دارد چرا که در مسئولیت مدنی هدف جلوگیری از باقی ماندن ضرر وارده به زیان دیده است، خواه وارد کننده ضرر خود در نتیجه زیان وارده منتفع شده یا نشده باشد (علیدوست ۱۳۹۶: ۹)؛ بنابراین بهره‌برداری سو و استناد به عدم بازدهی ایده نیز دفاعی غیرقابل پذیرش است.

۵. همتایان ثبت وایپو

با وجود اینکه سامانه ثبت وایپو در مقیاس بین المللی اولین در نوع خود به شمار می‌رود، لیکن اگر قدری دقیق‌تر به بحث ثبت مقدماتی بنگریم متوجه می‌شویم که در برخی نظام‌های حقوقی ملی، مشابه این سامانه، تحت عناوین یا با عملکرد متفاوت، حداقل در زمینه مالکیت صنعتی وجود دارد؛ برخی از این سامانه‌ها ریشه در قوانین مالکیت فکری داشته و برخی دیگر با توجه به ماهیت متزلزل آنچه در ثبت مقدماتی ارائه می‌شود بدون پشتوانه یا حمایت قانون فعالیت می‌کنند و با وجود مشابهت‌های موجود میان این سامانه‌ها دستیابی به دیدگاهی کامل در خصوص عملکرد سامانه ثبت وایپو نیازمند نگاهی گذرا به وضعیت و مختصات این سامانه‌ها نیز می‌باشد.

^۳Merger Doctrine

۱,۵. در فرانسه (پاکت سولو^۳)

نظام حقوق مالکیت فکری فرانسه را می‌توان به عنوان زادگاه سازکار ثبت مقدماتی در نظر گرفت. ثبت مقدماتی در حقوق فرانسه سابقه‌ای نزدیک به یک قرن داشته و از آن با نام سازکار پاکت سولو یاد می‌شود؛ در این شکل از ثبت که به نام مخترع فرانسوی آن یوجین سولو^۴، هنرمند فرانسوی نامگذاری شده است، ثبت دستاورد فکری در قالب بایگانی یک پاکت مهر و موم شده دو بخشی حاوی کلیات آنچه ثبت آن مورد نظر است، به شخص ارائه می‌شود؛ مستندات حاصله از این روش صرفاً مثبت تقدم متقاضی در دستیابی به اثر یا دستاورد صنعتی مورد ادعا می‌باشد و در نتیجه فقط در راستای تصدیق تاریخ دقیق ثبت اولیه آنها کاربرد دارند. پیشینه استفاده از این روش ثبت در فرانسه به سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۱ میلادی بازمی‌گردد که در نهایت پس از تحولات متعدد در سال ۲۰۱۶ به یک سامانه الکترونیک ثبت با نام ای-سولو^۵ با عملکردی مشابه مبدل شد (Wirtén 2021: 242).

در حال حاضر در حقوق فرانسه مواد R.511-3 تا R.511-6 از کتاب پنجم قانون مالکیت فکری فرانسه^۶ ناظر بر این راهکار خاص برای ثبت مقدماتی و اثبات تقدم اشخاص در اختلافات احتمالی هستند. به موجب ماده R.511-6 «این مقررات به منظور تکمیل مدارک حاصله از ثبت... اشخاص ذینفع می‌توانند دو نسخه یکسان از طرح‌هایی که متقاضی ثبت تاریخ پیدایش آنها هستند را تهیه کرده، هر دو نسخه را به مؤسسه ملی مالکیت صنعتی^۷ ارسال کنند، مؤسسه ملی پس از ثبت تاریخ دریافت، یکی از آنها را به فرستنده بازمی‌گرداند و نسخه دیگر در این مؤسسه بایگانی می‌شود...».

^۳La solution de l'enveloppe Soleau (EN: The Soleau Envelope Solution)

^۴Eugène Soleau

^۵E-Soleau

^۶Code de la Propriété Intellectuelle, Le livre V

^۷Institut National de la Propriété Industrielle

بر خلاف ایالات متحده پکت سولو محدود به حوزه حقوق مالکیت صنعتی نبوده و می‌تواند مشتمل بر: اختراع، طرح‌های مفهومی، راهکار فنی، فرآیند یا روش ساخت، ایده یا ابتکاری با ماهیت هنری و نحو آن باشند. در این روش از ثبت مقدماتی دستاورد فکری، به متقاضی پکتی با دو محفظه که هر کدام حاوی نسخه یکسان از آنچه که ثبت آن درخواست شده است، ارائه می‌شود. پکت‌های دریافتی در موسسه ملی مالکیت صنعتی فرانسه بررسی، کدگذاری و مهر و موم شده و جزییات زمان دریافت و ارسال مجدد آنها ثبت و در نهایت یکی از پکت‌ها برای متقاضی ارسال می‌شود. در این شیوه از ثبت مقدماتی، در روش سنتی (غیر الکترونیک) متقاضی موظف بود پکت خود را مگر در موارد بروز اختلاف، مهر و موم نگه دارد، لازم به ذکر است پکت دیگر که در اختیار سازمان ثبت اختراع فرانسه باقی می‌ماند، به مدت پنج سال در این سازمان حفظ می‌شود؛ مدتی که برای یک دوره پنج ساله دیگر نیز قابل تمدید است. سازکاری که پس از سال ۲۰۱۶ از ساختاری تماماً دیجیتال (مشابه با ثبت وایپو) برخوردار شده است (INPI, 2016).

پیش از تبدیل به یک سامانه ثبت الکترونیکی پکت سولو متضمن محدودیت‌های خاص خود بود و پکت فیزیکی که به سازمان ثبت اختراع فرانسه ارائه می‌شد نمی‌توانست حاوی محتوایی همچون دیسک، حافظه یا اشیایی از این دست باشد و شخص متقاضی صرفاً می‌توانست تا هفت برگ کاغذ در اندازه ۴A با حداکثر ضخامت ۵ میلی‌متر را در پکت خود داشته باشد. اگر پکت غیر قابل قبول تشخیص داده می‌شد، با هزینه خود متقاضی به او بازگردانده می‌شد. اما با تحول پکت سولو به ای-سولو این محدودیت‌ها برداشته شده و در حال حاضر در ازای هر ۱۰ مگابایت اطلاعات بارگذاری شده مبلغی معین از متقاضی دریافت می‌شود. (Wirtén 2021: 253-254)

همانگونه که پیشتر گفته شد، در ثبت سولو متقاضی تا زمان نهایی‌سازی دستاورد فکری خود هیچ حق انحصاری بر دستاورد مورد ادعا ندارد، بنابراین هیچ مانع قانونی نیز برای سایر متقاضیان احتمالی در ثبت تقاضا با تشابه جزئی یا کلی با آنچه پیشتر با این روش به ثبت رسیده وجود نخواهد داشت و این وضعیت تا زمانی که یکی از متقاضیان ثبت مقدماتی دستاورد خود را به شکل نهایی نرساند به

قوت خود باقی خواهد ماند. در پایان می‌توان گفت گرچه ثبت وایپو به لطف ماهیت بین‌المللی وایپو در مقیاس عملیاتی خود بی سابقه محسوب می‌شود اما در حقوق فرانسه با رقیبی دیرین مواجه است.

۲,۵. در ایالات متحده (ثبت موقت)^۳

همتای ثبت وایپو در ایالات متحده، ثبت موقت است. سازکار ثبت موقت که در نظام حقوق مالکیت فکری ایالات متحده صرفاً در خصوص اختراعات و دستاوردهای فکری با ماهیت صنعتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، نوعی ثبت با اعتبار محدود است که متقاضی را قادر می‌سازد بدون طرح درخواست ثبت رسمی و پیرو آن افشا کلیات یا تشریح جزئیات دستاورد خود، طرح اولیه دستاورد خود را به ثبت برساند؛ ثبتي که همانند ثبت وایپو متضمن هیچگونه حقوق انحصاری یا تقدیمی برای شخص نخواهد بود.

به موجب اصلاحیه ۱۹۹۴ قانون ثبت اختراعات ایالات متحده، اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری این کشور مقرره‌ای را به موقع اجرا می‌گذارد که به موجب آن متقاضیان می‌توانند ثبت موقت (و محدود) دستاورد صنعتی خود را درخواست کنند. هدف از این شیوه از ثبت، صرف زمان و هزینه کمتر و ایجاد برابری میان متقاضیان ثبت اختراع در ایالات متحده با متقاضیان خارجی که به موجب توافقاتنامه‌های دور اروگوئه^۴ برای ثبت اختراع در ایالات متحده اقدام می‌کنند، اعلام می‌شود (Kowalski et Salkeld 1996: 461).

درخواست مشروط یا موقت ثبت اختراع یک درخواست ملی ایالات متحده است که در بند b بخش ۱۱۱ قانون ثبت اختراع ایالات متحده مورد اشاره قرار گرفته و به موجب این ماده ثبت درخواست موقت نیازمند ارائه درخواست رسمی ثبت اختراع یا تعهد یا هرگونه افشا (جزئیات یا اطلاعات اساسی)

^۳Provisional Application

^۴1994 Amendment of the Patent Act of 1952

^۵The General Agreement on Tariffs and Trade (also known as GATT)

نیست، چراکه درخواست های موقت (همانند اختراعات یا سایر مصادیق مالکیت صنعتی) مورد بررسی قرار نمی گیرند. در حقیقت درخواست های موقت فرصتی را برای تعیین تاریخ ثبت اولیه درخواست ثبت اختراع دائم یا اصلی فراهم می کنند که از آنها تحت عنوان «اختراع در انتظار» نیز یاد می شود (35 U.S.C. § 111(b)).

ثبت موقت در قانون ثبت اختراع ایالات متحده، یک نهاد قانونی استثنائی است که به موجب آن مهلتی ۱۲ ماهه (غیر قابل تمدید) از جنس حمایت معلق به شخص اعطا می شود، این مهلت که در فرض ثبت نهایی اختراع به بخشی از مدت حمایت اعطا شده ناشی از ثبت نهایی مبدل می شود در عمل متضمن گونه ای حق تقدم برای متقاضی در این بازه یک ساله است؛ در این مدت، چنانچه تقاضایی با مشابهت اساسی با موضوع ثبت موقت مطرح گردد در فرض نهایی شدن ثبت موقت، مردود اعلام می شود، در غیر این صورت حق تقدم شخص کان لم یکن تلقی شده و درخواست های مشابه به جریان می افتند. با وجود اینکه در خصوص دستاورد های فکری مطرح در حوزه حقوق مالکیت ادبی-هنری (همانند مورد فیلمنامه که موضوع غالب دعاوی راجع به سوء استفاده از ایده) گفته می شود فیلمنامه به عنوان یک اثر مکتوب می تواند مستقلاً مورد حمایت قرار گیرند لیکن بازدهی فیلمنامه در فرض شکوفایی و مبدل شدن به یک اثر دیداری شنیداری همانند (فیلم سینمایی) بسیار بازدهی بالاتری خواهد داشت و در نتیجه مستثنی کردن فعالان عرصه هنر از چنین سازکاری به نظر غیر قابل توجیه است. مضاف بر آنچه گفته شد، و در راستای حفظ تعادل میان حقوق ایده پرداز و وضعیت عموم درخواست غیر موقتی که بیش از ۱۲ ماه پس از تاریخ تسلیم درخواست اولیه تقدیم گردد به منزله یک درخواست کاملاً مستقل بوده، با این حال اگر شخص در بازه زمانی ۱۴ ماه پس از تاریخ تسلیم اولیه، تقاضای اصلی خود را تقدیم کند، می تواند با ارائه مستندات دایر بر غیر عمدی بودن یا موجه بودن تاخیر مجدداً از اعتبار و نتایج اعتبار درخواست سابق خود بهره مند شود (Ferrel 2017: 19-22). احتساب مدت ثبت موقت به عنوان بخشی از مدت ثبت نهایی نمایانگر این است که حمایت اعطا شده به موجب ثبت نهایی در این روش، اثر قهقرایی داشته و در نتیجه چنانچه شخصی پیش از ثبت نهایی از تمام یا بخشی از دستاورد صنعتی شخص بدون تجویز از جانب او بهره برداری نماید، ناقض حقوق اعطا شده به موجب قانون قلمداد می شود. بنابراین، در ایالات متحده چنانچه ایده به یک

نتیجه ملموس مبدل شود از حمایت بی قید و شرط قانون برخوردار می‌شود؛ هرچند که این راهکار صرفاً محدود به مصادیق مالکیت صنعتی (مگر طرح صنعتی) در این کشور است.

اهمیت وجود چنین نهادی در حقوق ایالات متحده زمانی آشکار می‌شود که نگاهی به اعلامیه شماره ۸۵ ثبت فدرال، منتشر شده در سپتامبر سال ۲۰۲۰، داشته باشیم.^{۴۱} در این اعلامیه دفتر ثبت اختراع ایالات متحده اشعار می‌دارد که به منظور تسریع فرآیند نشر و تبادل اطلاعات راجع به مقابله با همه‌گیری کرونا و در کنار آن حفظ حقوق مخترعین، به‌عنوان بخشی از یک برنامه آزمایشی متقاضیان می‌توانند پرداخت هزینه ثبت مقدماتی را تا زمان ثبت نهایی اختراع خود به تعویق اندازند (GPO (2020: 58038-58039). برنامه آزمایشی اداره ثبت اختراع ایالات متحده در بازه زمانی خاص آن، به ما نشان می‌دهد که نهاد ثبت مقدماتی، در نظام نوین حقوق مالکیت فکری به یک ضرورت مبدل شده است.

۳.۵. در ایران (سامانه نان)

همتای ثبت وایپو در ایران، نظام ایده‌ها و نیازها (از این پس نان) است که در ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱، با فاصله زمانی تقریباً دو سال از راه‌اندازی سامانه ثبت وایپو از آن رونمایی شد. طراحی نان بیشتر به سمت جذب دستاوردهای صنعتی متمایل است و هدف اصلی آن نیز ایجاد نظام ملی نوآوری جهت ثبت و نمایه سازی نیازهای مختلف جامعه و در نتیجه هدایت بخش اصلی فعالیت‌های پژوهشی در جهت رفع نیازها و مشکلات جاری کشور عنوان می‌شود.^{۴۲} اگر عمل نیز، نیل به این هدف از طریق

^{۴۱}Design Patents

^{۴۱} این اعلامیه زمانی منتشر می‌شود که جامعه‌ی جهانی در تقلا برای دستیابی به راهکاری برای کنترل و مقابله با همه‌گیری ویروس کرونا بود.

^{۴۲} باید در نظر داشت که نان مستقیماً ناظر بر مستند سازی دستاوردهای فکری پیش یا پس از ثبت آنها نبوده و اصولاً این موضوع از اهداف اصلی آن نیز محسوب نمی‌شود، لیکن از آنجایی که با بارگذاری و ثبت اطلاعات

طراحی یک بانک اطلاعاتی ملی از ایده‌ها در کنار مجموعه‌ای از نیازها (معضلات) مطرح در حوزه های گوناگون صورت گرفت که اگرچه از لحاظ نظری بی نقض و تحسین برانگیز به نظر می‌رسد، لیکن در عمل بازدهی برابر با اهداف خود را به دست نمی‌دهد. چراکه حمایت مادی و معنوی از ایده آنگونه که زلفی گل در مقاله «ساختارهای دانش‌مدار عصر دانایی» به آن می‌پردازد (زلفی گل و کیانی بختیاری ۱۳۸۵: ۱۶) نیازمند پشتوانه‌ای قانونی و جانمایی نان در نظام حقوق مالکیت فکری کشور است.^{۴۴}

با وجود اینکه نان خود را سامانه‌ای مبتنی بر مجموعه‌ای از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و آیین نامه‌هایی همچون آیین‌نامه حمایت از تولید، دانش‌بنیان و اشتغال آفرین در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری معرفی می‌کند و در عمل نیز در خدمت هدف والای گردش آزاد دانش و اطلاعات قرار دارد، مشخص نیست که این سامانه چه جایگاهی در نظام حقوق مالکیت فکری کشور دارد؟ به عبارت دیگر، در سامانه‌های ثبت وایپو، ثبت موقت ایالات متحده و پاتنت سولو فرانسه وضعیت حقوقی صاحبان ایده و ایده آنها، ولو به صورت محدود، تعیین تکلیف شده است؛ لیکن، چنین امری در خصوص نان مشاهده نمی‌شود؛ امری که خود به خود نقش نان را در خصوص دستاوردهای فکری ثبت شده پررنگ کرده و از طرف دیگر از جذابیت آن برای صاحبان ایده در معنای مورد بحث در این پژوهش می‌کاهد.

در این سامانه گونه‌ای سابقه ثبت اولیه برای دستاورد شخص ایجاد می‌شود، می‌توان آن را از خویشاوندان دور ثبت وایپو قلمداد کرد.

^{۴۴}National Bank of Ideas

^{۴۴} البته نان پذیرای دستاورد های فکری از پیش ثبت شده نیز می‌باشد و طبیعتاً ابهامات مورد بحث، در خصوص این اقسام از مالکیت فکری وجود ندارد.

با این همه، نگاهی به بخش شرایط و قوانین نان در زمان نگارش این اثر، تا اندازه زیادی به ابهامات پیشین پاسخ می‌دهد.^{۴۵} به موجب این بخش در خصوص حقوق مالکیت فکری: «ایده، پیشنهاد و راه حل ارائه شده نباید مغایر و ناقض حقوق مالکیت فکری اشخاص ثالث باشد.» این بند از شرایط نمایانگر آن است که در طراحی نان به مسئله ماهیت و جایگاه فعلی ایده در حقوق مالکیت فکری توجه چندانی نشده است، چرا که در حال حاضر نه فقط در ایران بلکه در عموم نظام های حقوق مالکیت فکری، بر عدم حمایت از ایده به عنوان مصداقی از محدودیت های حمایت تاکید شده، و پیش نیازهای بیان (به شیوه ملموس)^{۴۶} در شاخه ادبی-هنری و کاربرد صنعتی^{۴۷} در شاخه مالکیت صنعتی که ثبت در گرو آن می باشد هر دو موید همین امر هستند (زرکلام، ۱۳۸۸، ص ۲۹). از طرف دیگر در فرض (محالی) که این سامانه اختراعات و سایر مصداق مالکیت فکری را از مصداق ایده بپندارد، فرایند بررسی در این سامانه چگونه است که یک ایده می تواند در آن ناقض حقوق مالکیت فکری شخص دیگری باشد؟ آیا فرایند بررسی شامل استعلام از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نمی شود؟^{۴۸} در هر حال این سامانه با این توضیح که «در صورتی که ارائه کننده ایده به واسطه اعلام و ثبت ایده به حقوق اشخاص ثالث تعرض کند، وزارت علوم مسئولیتی و ضمانتی در برابر اشخاص ثالث نخواهد داشت و ارائه کننده ایده می پذیرد و اعلام می کند که مسئول و ضامن هرگونه ادعای اشخاص

^{۴۵} بند های مورد استناد در این پژوهش برگرفته از ویرایش در دسترس در ۱۵ شهریور ۱۴۰۲ شرایط و قوانین (ثبت نام) نان است.

^{۴۶} Tangible Medium of Expression

^{۴۷} Industrial Application

^{۴۸} این استعلام حداقل در خصوص ایده های با ماهیت صنعتی که جزئیات ثبت آنها در سازمان ثبت بایگانی می شود، نقش حیاتی در جلوگیری از وقوع نقض داشته و در فرض عدم آگاهی متقاضی نسبت به مشابهت اساسی ایده او با اختراعی دیگر نیز می تواند، با اخطار به او از صرف زمان و هزینه بیشتر به شخص پیشگیری کند.

ثالث نسبت به ایده ابراز شده خواهد بود.» بحث نقض احتمالی حقوق مالکیت فکری را فیصله داده و از خود رفع مسئولیت می‌کند.

تکیه بر مسئله رفع مسئولیت در بند دیگری از شرایط با این عنوان که «ارائه کننده ایده می‌پذیرد و اعلام می‌کند که ایده و طرح او حقوق راجع به آثار ادبی-هنری، علائم تجاری، ثبت اختراع و سایر جنبه های مربوط به حقوق معنوی را نقض نمی‌کند.» مجدداً مطرح می‌شود و نمایانگر آنست که طراحان نان نسبت به پیچیدگی بحث حقوق مالکیت فکری ورودی و خروجی نان آگاه بوده‌اند، لیکن چنین بنظر می‌رسد که تا اندازه ممکن تلاش خود را برای پرهیز از ورود به آن بکار بسته‌اند. این مجموعه از ابهامات می‌توانند با الگو برداری از سایر سازکارهای حقوقی همچون ثبت موقت یا پاکت سولو به سادگی مرتفع شوند؛ به عبارت دیگر، در صورتی همانند ثبت موقت، متقاضیان در نان پس از یک بازه زمانی معین و پیش از نهایی سازی یا انبوه سازی دستاورد خود مکلف به ثبت نهایی آن بشوند، دستاورد شخص توسط سازمان ثبت اسناد و مالکیت بررسی شده و احتمال نقض حقوق مالکیت فکری (ناشی از ثبت در نان) به صفر نزدیک می‌شود.

از طرف دیگر، رسمیت بخشیدن به اعتبار مستندات ارائه شده توسط نان، همانند ثبت سولو اعتبار و قدرت اثباتی آنها را در دعاوی احتمالی تحکیم کرده و منجر به ایجاد یک رویه واحد در تعامل با آنها می‌شود.

نان حقوق معنوی ایده را نیز متعلق به صاحب آن فرض می‌کند، لیکن مشخص نیست این حقوق معنوی چه هستند؟ بگذریم که بحث در نظر گرفتن حقوق معنوی برای ایده‌ها، گرچه در خصوص ایده‌های توسعه یافته امر پسندیده‌ای است، خود در حقوق مالکیت فکری محل بحث است. وضعیتی که ریشه در ماهیت ناپایدار عنوان کلی ایده داشته و ایراد محدودیت رشد و پویایی علم و فناوری در فرض حمایت از ایده با صرف تکیه بر ابتکار و خلاقیت بکار رفته در آن را توجیه می‌کند (حکمت نیا و شعبانی ۱۴۰۱: ۱۲۰).

با وجود ضعف نان در زمینه تعیین تکلیف متقاضیان ثبت ایده و حقوق آنها در تعامل با اعلام کنندگان نیاز، نان یک اقدام جسورانه و یکی از اولین ها در نوع خود می باشد، گردآوری و شناسایی ایده های مستعد، طبقه بندی آنها و طراحی پلی میان ایده پردازان و صاحب مشاغل و اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی یا عمومی یک گام بزرگ در ایران است، کشوری که به موجب ماده ۴ قانون پیشین ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ و ماده ۴ قانون فعلی حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ تا کنون در آن هیچگونه حمایت (حقوقی) برای ایده ها پیش بینی نشده، و سایر تلاش ها نیز صرفاً بر حمایت مادی متمرکز شده اند، بدون توجه به اینکه بدون شناسایی حقوقی برای اشخاص فعال در این زمینه مسئله حمایت مادی نیز به نتیجه مطلوبی منتهی نخواهد شد. در جهانی که دو وصف صاحب ایده و سرمایه به ندرت در شخصی واحد یافت می شوند، پر واضح است که چنانچه صاحبان ایده های توسعه یافته بتوانند با بهره مندی از سازکاری مشابه با ثبت وایپو یا پکت سولو تا اندازه ای انتساب و مالکیت خود را بر ایده تثبیت نمایند، قادر خواهند بود تا از سواستفاده از آنچه در فرآیند جذب سرمایه در اختیار صاحبان سرمایه قرار می گیرد پیشگیری کرده و با آسودگی خاطر طیف گسترده ای از سرمایه گذاران احتمالی را هدف قرار دهند. در فقدان چنین سازکاری، به علت قرار گرفتن ارائه کننده ایده در موضع ضعف، در عمل این صاحبان سرمایه هستند که با معیارهایی همچون بازدهی مالی، تعیین می کنند که نوآوری در زمینه مالکیت فکری چه سمت سو و رنگ بویی داشته باشد. این چرخه تک قطبی^{۴۹} منجر به عدم تحقق بسیاری از ظرفیت های نهفته ی مالکیت فکری شده و با محدود سازی قدرت انتخاب مصرف کننده گان به صورت غیرمستقیم حقوق آنان را نیز تحت تاثیر قرار می دهد.

۶. نتیجه

^{۴۹} این مسئله زمانی اهمیت می یابد که در نظر داشته باشیم، بسیاری از اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در زمینه مالکیت فکری با هدف حذف رقبای احتمالی خود با پایش مداوم بازار ایده ها در تلاشند تا با حذف یا جذب این ایده ها صرفاً موقعیت مسلط خود در بازار را حفظ نمایند.

سامانه ثبت وایپو به عنوان یک سامانه ثبت مقدماتی در دوره فعالیت آزمایشی دو ساله خود، پیام آور تحولی در حوزه مدیریت حقوق مالکیت فکری دیجیتال و نیاز به یک سامانه یکپارچه در این زمینه بود. با وجود اینکه در دهه‌های پیشین اندیشمندان مالکیت فکری تا اندازه زیادی بر خود مبنی بر غیر قابل حمایت بودن ایده‌ها و دستاوردهای فکری که شکل نهایی به خود نگرفته‌اند اصرار ورزیده‌اند لیکن به نظر می‌رسد در عصر حاضر اندیشمندان و قانونگذاران حوزه حقوق مالکیت فکری به این امر پی‌برده‌اند که عدم حمایت کامل از عنوان کلی ایده که مصادیق بی‌شماری را در برمی‌گیرد صرفاً منجر به تضعیف بستر حقوق مالکیت فکری و یکی از مهمترین اهداف آن یعنی ترغیب اشخاص به اشتراک گذاری دستاوردهای فکری خود با جامعه می‌شود و باوجود اینکه و ثبت وایپو به عنوان یک سامانه برخاسته از یک سازمان بین‌المللی تلاشی جسورانه برای بهبود این وضعیت محسوب می‌شود، لیکن از نظر نگارندگان صحیح‌تر آنست که این سامانه در نظام های حقوقی ملی نیز به رسمیت شناخته شود؛ به عبارت دیگر، سازمان جهانی مالکیت فکری موظف است ابهامات موجود در میزان اعتبار اسناد صادره از این سامانه را یکبار برای همیشه برای تمامی اعضای خود توجیه کند و صرفاً به تکیه بر مجموعه‌ای از مقررات منطقه‌ای همانند آنچه در خصوص اتحادیه اروپا گفته شد اکتفا نکند. مسئله فقدان تعامل با بازوهای اجرایی نظام های حقوق مالکیت فکری یا همان سازمان های متولی ثبت نیز بر معضلات چنین سامانه‌های در مقیاس بین‌المللی دامن می‌زند، در نتیجه نسخه نهایی نیازمند رابطه متقابل با این سازمان‌هاست، وضعیتی که به وضوح می‌تواند بر امر جذب سرمایه های خارجی و افزایش سطح تبادل و هم افزایی دانش بنیان نیز اثربخش واقع شود.

در پایان، باید گفت اگرچه ثبت وایپو و سامانه های مشابه آن در نوع خود از آخرین ابداعات در زمینه مالکیت فکری محسوب می‌شوند و قرار گرفتن کشور ما با سامانه نان در کنار کشورهای پیشرو در این زمینه همچون ایالات متحده و فرانسه تحسین برانگیز است، لیکن ضعف آشکار جنبه حقوقی نان در مقایسه با همتایان بین‌المللی آن تا اندازه زیادی از جذابیت آن برای متقاضیان داخلی کاسته و مانع تحقق ظرفیت‌های مهم آن شده‌است؛ چراکه این سامانه‌ی نوپای داخلی بدون هیچ توجیهی، بسیاری از پیش‌فرض‌های خود را بر مبنای مخالف با بسیاری از اصول پذیرفته شده حقوق مالکیت

فکری بنا نهاده و لاقلاً در زمان نگارش این اثر، هیچگونه هماهنگی و تعاملی نیز با سازمان ثبت اسناد کشور در دستیابی به اهداف عملیاتی آن مشاهده نمی‌شود.

منابع

- حکمت نیا، محمود، شعبانی، زینب. (۱۴۰۱). «مبانی تفکیک ایده از بیان»، حقوق اسلامی، دوره ۱۹، ش ۷۲، صص ۱۱۹ - ۱۵۲.
- زرکلام، ستار (۱۳۸۸). حقوق مالکیت ادبی و هنری، چ اول، تهران: انتشارات سمت، ص ۲۹.
- زلفی گل، محمدعلی؛ کیانی بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۵). «ساختارهای دانش مدار در عصر دانایی»، نشریه رهیافت، دوره ۱۰، ش ۳۷، صص ۱۴ - ۱۹.
- شبیری زنجان، سیدحسن؛ نعمتی، میثم (۱۳۹۲). «مبانی فقهی حق افشای اثر»، حقوق اسلامی، دوره ۱۰، ش ۳۷، صص ۷ - ۴۳.
- عبد الصمدی، راضیه؛ رفیعی آفرانی، مرضیه؛ (۱۳۹۹). «ماهیت حقوقی حاکم بر قراردادهای دانش فنی»، نشریه پژوهش های حقوقی قانون یار، دوره ۲، ش ۸، صص ۷ - ۲۶.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۶). «دارا شدن ناعادلانه و بلاجهت در نظام حقوقی ایران و مقایسه آن با اکل مال به باطل»، فقه، دوره ۲۳، ش ۱، صص ۷ - ۱۸.
- میرشمسی، محمدهادی؛ جلائیان دهقانی، حسام؛ تیموری، علیرضا (۱۳۹۳). «ایده و حمایت از آن در حقوق مالکیت فکری»، حقوق اسلامی، دوره ۱۱، ش ۴۰، صص ۷۱ - ۱۰۴.

References

- Abd al-Samadi, Razieh; Rafiei Afarani, Marzieh (2020). "The Legal Nature of Technical Know-how Contracts," *Journal of Legal and Civil Sciences*, Vol. 2, No, 8, Pp. 7-26.

- Alidoust, Abolghasem (2017). “Unjust Enrichment in the Iranian Legal System and Its Comparison with Unlawful Acquisition of Property,” *Fiqh*, Vol. 23, No. 1, Pp. 7–18.
- Andrade, F. C. (2018). “Electronic Identification, Signature and Trust Services”, *UNIO – EU Law Journal*, Vol. 4(2), pp. 90–98.
- Bonnacaze, Alexis; Liardet, Pierre; Gabillon, Alban; Blibech, Kaouther (2006). “Time-Stamping Schemes: A Distributed Point of View”, *annals of telecommunications - Annales des Télécommunications*, Vol. 61, pp. 662 – 681.
- Danquah, P.; Kwabena-Adade, H. (2020). “Public Key Infra-Structure: An Enhanced Validation Frame-Work”, *Journal of Information Security*, Vol. 11, pp. 241 – 260.
- Gladden, Nick (2003), “When California Dreamin' Becomes a Hollywood Nightmare; Copyright Infringement and the Motion Picture Screenplay: Toward an Improved Framework”, *Journal of Intellectual Property Law*, Vol. 10, pp. 359 – 384.
- Hekmatniya, Mahmoud, Shabani, Zeinab (2022). “Basics of separating idea from expression,” *Journal of Islamic Law Research*, Vol. 19, No. 72, Pp. 119–152.
- Institut National de la Propriété Industrielle (INPI). (2016). Decision No. 2016-273. Available at: https://www.inpi.fr/sites/default/files/decision_e-soleau_0.pdf (Accessed: 20 February 2025).
- Kowalski, Thomas J.; Salkeld, Pamela G. (1996). “The Impact of GATT on the United States Patent and Trademark Office”, *Journal of Civil Rights and Economic Development*, Vol. 11, No. 2, pp. 455 – 463.
- Mirshamsi, Mohammad Hadi; Jalaiyan Dehghani, Hesam; Timouri, Alireza (2014). “Ideas Protection in Intellectual Property Law,” *Journal of Islamic Law*, Vol. 11, No. 40, Pp. 71–104.

- Mostert, Fredrick (2020). "First in time, first in right: WIPO takes the Lead on digital date stamping of IP", *Journal of Intellectual Property Law & Practice*, Vol. 15, pp. 673-674.
- O'Donnell, Pierce; McDougal, Dennis (1992). "Fatal Subtraction the Inside Story of Buchwald v. Paramount", *Doubleday*, United States, New York.
- Oliar, Dotan; Pattison, Nathaniel; Powell, K. (2014). "Copyright Registrations: Who, What, When, Where, and Why", *Texas Law Review*, Vol. 92, pp. 2211 – 2250.
- Pendsey, N. & Agarrwal, S. (2012). "Taking an independent inventor's inventions to the market – challenges and issues", *Journal of Intellectual Property Rights*, Vol 17. pp. 400 – 405.
- S. Ferrel, John (2017). "Provisional Patents The 90-Minute Guide to Filing Your Own Application", *BayWater Publishing*, California, United States.
- Seyyed Hassan Shobeiri Zanjani, Meysam Nemati (2013). "The Jurisprudential Foundations of the Right to Disclosure.", *Islamic Law*, Vol. 10, No. 37, Pp. 4–43.
- The U.S. Government Publishing Office (GPO) (2020). "Thursday, September 17, 2020 / Notices", *Federal Register*, Vol. 85, pp. 58038-58041.
- Umar, Mohammad (2017). "Effectiveness of WIPO Proof", *International Journal of Innovative Research in Science, Engineering and Technology*, Vol. 6, pp. 2319-8753.
- Winteringham, Robert M. (1994). "Stolen from Stardust and Air: Idea Theft in the Entertainment Industry and a Proposal for a Concept Initiator Credit," *Federal Communications Law Journal*, Vol. 46, pp. 373 – 396.
- Wirtén, Eva Hummings (2021). "In the service of secrecy: An Enveloped history of priority, Proof and patents", *Journal of Material Culture*, Vol. 26(3), pp. 241–261.

- Zarkalam, Sattar (2009). Literary and Artistic Property Rights, 1st edition, *Tehran: Samt Publications*, p. 29.
- Zolfi Gol, Mohammad Ali; Kiani Bakhtiari, Abolfazl (2006). "Knowledge-Based Structures in the Age of Knowledge," *Rahyaf*, Vol. 20, No. 37, Pp. 14–19.

حفظه
پنیرش
نشره